

خبر

نوشین معراجی کارگردان فیلم «پسر» خبر داد:

چیزی نمی‌خواهیم جز بودجه مناسب و آزادی بیان



بخش فرهنگی – کارگردان فیلم «پسر» که جایزه بهترین فیلم از انجمن فیلم مسکو و جایزه اصلی بهترین بازیگر مرد از جشنواره فیلم مسکو را از آن خود کرده، می‌گوید: سینماگر از هر دولت یا سازمانی که مشغول کار است، هیچ نمی‌خواهد جز بودجه درست و مناسب و آزادی بیان و اندیشه.

به گزارش خبرنگار ایلنا، دریافت جایزه از انجمن سینمایی مسکو شاید به آغاز راه برای کارگردان زن ایرانی باشد، او که در اولین گام در راه فیلمسازی بلند توانست این جایزه را از جشنواره مسکو دریافت کند. برای برخی فیلمسازان گرفتن یک جایزه و یا سیمرغ جشنواره فجر آخر راه است و دیگر تلاشی برای ساخت فیلم بهتر ندارند و کارنامه فیلمسازی آنها پس از کسب جایزه رو به نزول می‌رود.
نوشین معراجی کارگردان و فیلمساز زن ایرانی که با فیلم «پسر» در جشنواره مسکو در روسیه توانست موفق ظاهر شود، حالا باید به فکر ساخت اثری بهتر برای فیلم دومش باشد.
فیلمی که با چارچوب هنری بودن بتواند با مخاطب عام نیز ارتباط خوبی برقرار کند، با او گفتگویی درباره فیلم «پسر» و حال و هوای این روزهای سینما داشتیم که می‌خوانید.

♦ **از فیلم «پسر» و جوایزی که کسب کرده‌اید بگویید و اینکه آیا این فیلم برای جشنواره‌های خارجی ساخته شده و یا اینکه در ایران هم مانند جشنواره‌ها مورد استقبال قرار خواهد گرفت؟**

فیلم «پسر» به تازگی همزمان با آغاز اکران در گروه هنر و تجربه مراحل ارسال به فستیوال‌های جهانی را هم آغاز کرده‌است. این فرزند نوپای من در بدو ورود به جهان سینما برگزیده جایزه بهترین فیلم از انجمن فیلم مسکو و جایزه اصلی بهترین بازیگر مرد از جشنواره فیلم مسکو شد و همچنین در بخش چشم‌انداز روشن جشنواره روتردام هلند حضور داشت. این فیلم بدون در نظر گرفتن جشنواره‌ها و صرفا با توجه به برقراری ارتباط شدید قلبی من و فیلم‌کننده با فیلمنامه ساخته شد و سوای نظر جشنواره‌های داخلی و خارجی قابل ارائه به عموم مردم خواهد بود که امیدوارم مورد توجه مخاطبان قرار بگیرد.

♦ **دلیل دیده شدن فیلم «پسر» در جشنواره مسکو چه بود؟ چرا مورد قبول منتقدان قرار گرفت و توانست جایزه کسب کند؟**
قصه فیلم قصه پسری است که علی‌رغم گذر از جوانی و بزرگسالی هنوز کودکی بی‌دست و پاست و فارغ از چهارچوب‌های جغرافیایی به میحت انسانی و روانشناختی اشراف دارد. گمان می‌کنم همین بی‌مرز بودن داستان و تعمیم آن به تمامی آدم‌های تنهای جهان آن را مورد توجه قرار داده و خواهد داد.

♦ **«پسر» اولین کار بلند شما بود، از اینکه در یک جشنواره معتبر جایزه گرفتید چه حسی داشتید و آیا این جایزه باعث پیشرفت شما خواهد شد یا مثل برخی فیلمسازها پس از کسب جایزه به سرانحییبی و فرود نزدیک می‌شوید؟**

من به دلدم هیجان‌زده شدم و خستگی کار از تنم بیرون رفت. به آینده نگاه‌تر شدم و نسبت به خودم و کارهای آینده سخت‌گیرتر خواهم شد. این به خودی خود نکته مثبتی خواهد بود، اما سعی می‌کنم خیلی از قالب کنونی خود بیرون نیایم و با همین دیدگاه و عقاید فعلی به کار خود ادامه بدم، چرا که گاهی سخت‌گیری‌های بیش از حد نسبت به خود، انسان را از خویشتن خویش دور می‌کند. ♦ **اکنون فیلم‌سازی چه کاری هستنید؟**

در حال حاضر در پیش تولید فیلم کوتاه جدیدم به نام «تسیان» هستم. فیلمنامه بلندم بازنویسی شده و به دنبال تأمین سرمایه برای ساخت آن در فصل پایانی سال هستم.

♦ **شما یک فیلمساز کوتاه موفق بودید، چقدر حضور در این عرصه و ساخت فیلم کوتاه در دیدگاه شما نسبت به سینما تأثیر داشت؟ آیا فیلم کوتاه هنوز دغدغه شماست؟**

سینمای کوتاه تأثیر بسزایی در به دست آوردن تجربیات فنی و غیرفنی داشته است. بخش فنی که به هر حال قابل درک است. سالیان زیادی که صرف ساخت فیلم کوتاه شد رفتم تجربه تکنیکی من افزود، اما فیلم کوتاه از آنجایی که بسیار انسان مینیمالیستی هستم مرا در سینمای بلند نیز درست هدایت کرد.

♦ **سینمای فیلم کوتاه مستند ما موفقیت‌های جهانی زیادی داشتند، شما دلیل این موفقیت‌ها را در چه می‌بینید؟**

در سال‌های اخیر شناخت آدم‌ها و فیلمسازها طبعاً نسبت به فیلم کوتاه بسیار عمیق‌تر شده است. همه مطالعه‌گر و مشاهده‌گرهای خوبی شدند و ما هم فیلمسازهای خلاق و روایت‌کننده‌های خوبی در اشل فیلم کوتاه پیدا کردیم چراکه زمان کم داستان‌گویی خلاصیت بیشتری را می‌طلبید. حجم بالای ارائه آثار باعث آزمون‌ها و خطاهای بسیاری شد و طبعاً ما فیلمسازهای خوب و برجسته‌ای را به بدنه سینما معرفی کردیم.

♦ **آیا حضور سلبریتی‌ها را در فیلم کوتاه موثر می‌دانید؟**

عمدتاً آرزوی ما در گذشته این بود که از سینمای بدنه به ساختار فیلم کوتاه افزودنی‌های مثبتی افزوده شود و اکنون با جدی گرفته شدن فیلم کوتاه این اتفاق افتاد. اگر شخص انتخاب شده درست و به جا انتخاب شده باشد، چه ایرادی دارد که یک سلبریتی باشد کما اینکه به بار فیلم می‌افزاید و فیلم در نظر مخاطب جدی‌تر جلوه می‌کند و شناخت مخاطب نسبت به بدنه سینمای کوتاه نیز بیشتر خواهد شد.

♦ **به عنوان یک سینماگر از دولت بعدی چه انتظاری دارید؟ چگونه می‌توان سینما را از این حال بدی که امروز دچار آن شده نجات داد؟**

سینماگر از هر دولت یا سازمانی که مشغول کار است، هیچ نمی‌خواهد جز بودجه درست و مناسب و آزادی بیان و اندیشه. از دولت بعدی مانند تمامی دولت‌هایی که پشت سر گذاشتیم چیزی جز حمایت علی‌الخصوص حمایت از فیلمسازان مستقل نمی‌خواهیم، چرا که ما دستمان به هیچ جا بند نیست و اغلب مخارج ساخت فیلم‌های ما سرمایه‌های شخصی و تمام دارایی‌مان است.

♦ **حال و روز سینمای بعد از کرونا را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟**
کرونا به سینما مانند مشاغل دیگر آسیب‌های هنگفتی وارد کرد. احساس می‌کنم اکران‌های آنلاین مردم را از سینما و حس علاقه‌مندی به پرده سینما دور کرد، چرا که همه یاد گرفتند در منزل خود با کلیک یک دکمه می‌توانند دسته جمعی فیلم مورد نظر را ببینند و هر جا که دلشان بخواهد فیلم را نگه دارند و …

این مساله حرمت سینما را زیر پا گذاشت و من چندان علاقه‌ای به آن ندارم. دلم می‌خواهد به روزهای پیش از کرونا برگردیم، اگرچه می‌دانم کمی خودخواهانه است و تکنولوژی را باید پذیرفت، اما تمامی زحمات ما وقتی معنی پیدا می‌کند که برای اولین بار روی پرده نقره‌ای به نمایش دربیاید. همچنین امیدوارم هیچکدامان بیکار نمانیم، چراکه بیکاری برای هنرمند از هر دردی وحشتناک‌تر است.

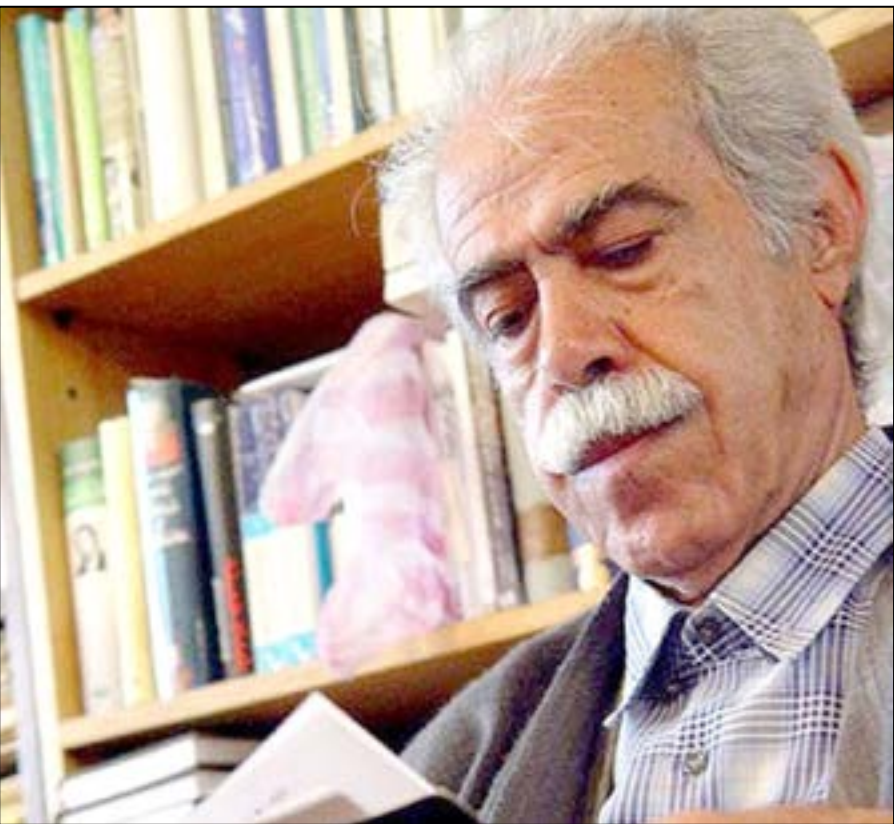
{فرهنگ و هنر }

گزارشی از یادبود منصور اوجی

می‌گفت هزار سال عمر می‌کند

مرض‌های بیش از پیش شده است.

این شاعر بیان کرد: منصور اوجی شاعر بود و آدمی با ویژگی‌های منحصر به خود. شاعری بود منضبط، آداب‌دان، با نوعی تفرّد و فردیت‌گرایی که گاه با غرور مشته می‌شد.



جورکش در ادامه به بیان خاطره‌ای از اوجی و خواسته او برای نوشتن نقدی در برابر منتقدی که شعرهای او را در حد رمانتیسم ابکی مطرح کرده بود و تمام زندگانی شاعر را زیر سوال برده بود، پرداخت.

او تأکید کرد: نقدی که امروز داریم بیشتر به غیبت و دوجاگویی می‌ماند، با پیچ‌پچه و ریایی که حافظ می‌گوید چقدر فاصله دارد؟ درست است در ادبیات کلاسیک ما سنت نقد وجود ندارد؟ به نظرم نداشتن سنت نقد هم یک کلیشه من‌درآوردی است و بس. درست است که نقد به شیوه نظریه‌پردازانه امروز در ادبیات سنتی ما نیست ولی نقد به معنای نیازسنجی برساختن متر و معیار اندازه‌گیری هنر به شکلی عملی در ادبیات کلاسیک بوده و کافی است نگاهمان را کمی عوض کنیم تا بتوانیم سنت نقد را بشناسیم.

این شاعر و منتقد ادبی خاطرنشان کرد: ما در زمینه نقد ادبی به کج‌راهه رفته‌ایم و از سنت نقد کلاسیک خودمان عقب مانده‌ایم و نقد را با فحاشی و صندلی داغ اشتباه گرفته و داغ زده‌ایم.

قدرت و قوت اوجی در شعر کوتاه

کامیار عابدی، منتقد ادبی و پژوهشگر نیز در این مراسم، با اشاره به آشنایی‌اش با شعر منصور اوجی گفت: اوجی از نسل دوم شعر نیمایی است و من نسل دوم را به گروهی اطلاق می‌کنم که در دهه ۱۳۱۰ به دنیا آمده‌اند، این گروه به دنبال راه‌حلی تازه و تلفیقی نو در شعر نیمایی بودند تا بتوانند فضای تازه‌ای را در حوزه شعر به وجود بیاورند. آن‌ها کارشان را از اواخر دهه ۱۳۳۰ شروع کرده بودند، و در دهه ۱۳۴۰ اوج تلاش‌های آن‌ها بود و نسبت به نسل اول شعر نیمایی کارشان دشوارتر بود زیرا نسل اول شعر نیمایی، در کنار و جوار نیما حضور داشت و از فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن دوره تأثیر می‌گرفت و بخشی از راه‌ها را پیموده بود. کار گروه دوم قدری دشوار بود و منصور اوجی هم با دشواری روبه‌رو بود.

او افزود: اوجی به طرف طبیعت و ابدیت رفت، البته همیشه نیم‌نگاهی به مسائل جریان‌های روز هم داشت اما چیزی که برایش اهمیت بیشتری بسیاری داشت، حوزه طبیعت و ابدیت بود. به نظر می‌رسد او تا حد زیاد از سعدی و حافظ تأثیر پذیرفته است، مخصوصاً بخش‌هایی از سعدی و حافظ که جنبه خیامی در آن قوی‌تر است، و آن‌ها را در چارچوب شعر نیمایی بازنمایی می‌کرد. در یکی از نوشته‌هایم آورده‌ام، اوجی از شیراز به نیشابور رفت و از

چهارشنبه ۲ تیر ۱۴۰۰

چهارشنبه ۲ تیر ۱۴۰۰

آن‌جا به یوش. او این سه ناحیه را از نظر جغرافیای ادبی در شعرش منعکس می‌کرد. منصور اوجی در شعرهای اولیه خود شعرهای نیمایی بلندتر، کوتاه‌تر و نیمه‌کوتاه داشت.

عابدی در ادامه تصریح کرد: اوجی زمانی که به دهه ۱۳۵۰ می‌رسد متوجه می‌شود که در شعر کوتاه قوت و قدرت بیشتری دارد، این موضوع به این دلیل است که ذهن منصور ذهن لحظه‌ای بود و این نوع اندیشه شعری در نوع شعرهای کوتاه بیشتر تجلی خود را نشان می‌دهد مانند رباعی‌سرایی. اوجی از دهه ۵۰ رغبت بیشتری به شعر کوتاه‌تر نیمایی پیدا کرد و در دهه ۱۳۶۰ همچنان اوج خود را حفظ کرد. در دهه ۷۰ هم به همان روش پیش می‌رفت. البته در این دهه در مدت کوتاهی به شعر سپید نزدیک شد که در این زمینه تجربه‌هایی از او به یادگار مانده است، برخی از شعرهای سپید توجه‌شعرهای خوبی است اما اوجی به شعر نیمایی بازگشت زیرا شکل شعری در آن چارچوب برای ذهنش کاملاً مهیا بود و آن چارچوب را بهتر، دقیق‌تر و ظریف‌تر می‌شناخت و می‌توانست به فرم شعری نزدیک‌تر کند، در واقع منصور اوجی در شعرهای کوتاهش زبان و زمان معاصر را به محور ظریفی بازاندیشی می‌کرد و آن را به جهان کهن متصل می‌کرد. در واقع اوجی در این کار استاد بود. اگر بخواهیم با سخت‌گیری زیاد، منتخبی از شعرهای کوتاه او انتخاب کنیم، این کار به سهولت امکان‌پذیر است که نشان می‌دهد اوجی در این زمینه از شاعران کامیاب دوره ماست و توانسته بخشی از آن ذهنیت و زبانی را که از نیما به میراث برده بود، در نهایت ظرافت در شعر خود متجلی کند.

او با اشاره به پژوهش‌های خود در زمینه شعر کوتاه، گفت: منصور اوجی در شعر نیمایی کوتاه و بیژن جلالی در شعر سپید کوتاه، مهم‌ترین نمایندگان شعر کوتاه ما از دوره نیما به بعد محسوب می‌شوند.

اوجی در نقد شخصی برخوردار نمی‌کرد

مجیدالدین کیوانی، مترجم هم به آشنایی خود با منصور اوجی در سال ۱۳۳۷ در دانشسرای عالی اشاره کرد و به بیان خاطراتی از این زمان و شکل‌گیری موج جدید در شعر پرداخت و گفت: منصور بیرون از دانشگاه به طرف موج جدید و نوگرایی کشیده شد، من آن زمان با ادبیات کلاسیک خو گرفته بودم و فرصتی هم برای حرکت جدید نداشتم. من درباره شعر نو منصور نمی‌توانم نظری بدهم زیرا نتوانستم همپای شعر نو جلو بیایم. منصور فعالیتی که می‌خواست تا آخر عمر ادامه دهد در تهران شروع کرد و با شاعران ارتباط پیدا کرد. تابستان ۱۳۴۰ هم به شیراز رفت.

او با اشاره به دیدارش با منصور اوجی در سال ۹۱ و بعد از ۵۰ سال، گفت: منصور پرهیجان و خوش صحبت دیگر آرام و کم‌حرف شده بود و پیدا بود از نظر جسمانی میزان و سرحال نبود اما از زندگی بسیار راضی بود.

کیوانی به کتاب «تاریخ شفاهی ادبیات ایران» ویژه منصور اوجی اشاره کرد و آن را منبع مطالعاتی دست اولی برای مطالعه ادبیات معاصر خواند و درباره این کتاب سخنانی گفت. او همچنین گفت: منصور آدم خوش‌برخورد و خوش‌محضری بود و هیچ‌گاه سخن لغو از دهان او نشنیدم. هیچ‌گاه انتقادهای تند و توهین‌آمیز از او نشنیدیم زیرا نگاهش به اطرافیانش مثبت بود و اگر نقدی می‌کرد، پیدا بود نقد علمی بود و شخصی برخوردار نمی‌کرد.

منیژه عبدالمهی سخنان دیگر مراسم بود که مطلبی کوتاه در معرفی اوجی و فعالیت‌هایش گفت. او خاطرات و حالاتی از زمان نگارش کتاب «صد و ده نامه از دو سیمین» را بیان کرد.

اوجی شاعرانه زیست

در ادامه سپروس رومی، روزنامه‌نگار و پژوهشگر، در این مراسم یادبود گفت: اوجی زندگانی شاعرانه‌ای داشت. او شاعرانه زیست، همه زندگی اوجی شعر بود، در شعر نفس می‌کشید. نام تنها دخترش غزل بود و نام تنها پوماش نیما. این اسم‌گذاری پر مفهوم است و دنبال آن ماجراهای شاعرانه اوست. اوجی زبان را از سعدی می‌آموزد و از حافظ زندگی و عرفان و شعر گفتن را. اوجی عاشق شیراز بود و بیش از ۳۰ شعر درباره شیراز گفته است زیرا او پرورش‌یافته بهارنارنج در خانه پدری بود. خانه پدری خانه‌باغی بود کوچک اما صمیمی و دارای بافت تاریخی، اوجی در ازدحام بوی گل سرخ می‌زیست و از خانه‌اش تا باغ ارم که دو سه قدم بیشتر نبود، دنبال شعر می‌گشت اما می‌دانیم همیشه شعر همراه و همسفر اوجی بود. او در ادامه درباره شعر اوجی توضیحاتی داد.

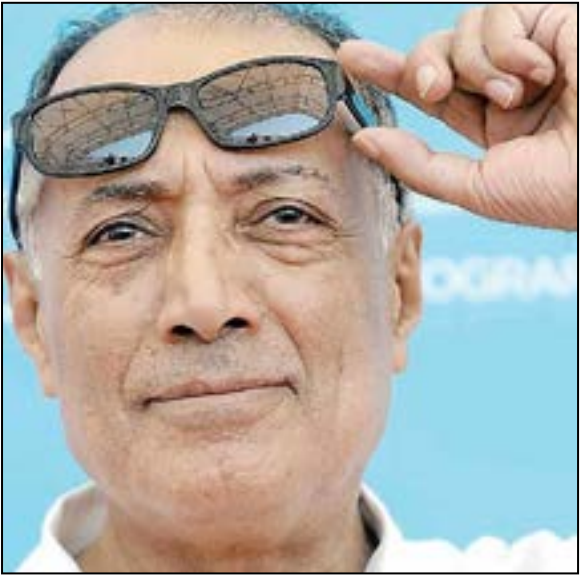
به انگیزه سالروز تولد هنرمند

تماشای زندگی از پشت عینک کیارستمی!

فقط یک کارگردانم و زمانی که عکس می‌گیرم، یک عکاس.»

کیارستمی با تأکید بر اینکه «عکس، عکس است. سینما، سینماست. هر کدام مخاطب خاص خود را دارند»، درباره اینکه آیا تمرکزش بر روی عکاسی امکان دارد سبب فاصله او از سینما شود؟ با صراحت پاسخ داده بود که: خوب بشوم!

مگر چه اتفاقی می‌افتد! من تعهدی به انجام کار مشخصی ندارم. هر وقت شرایط کاری فراهم شود آن را انجام می‌دهم. وقتی مشغول کاری هستم بیشتر از هر زمان دیگری به آن علاقه دارم تا آن را تمام کنم و بعد بینم شرایط برای انجام کاری دیگر چه زمان فراهم می‌شود. اما هم‌زمان با فیلم‌سازی و عکاسی، کیارستمی نیم نگاهی به نقاشی نیز داشت. گویا اواخر دهه ۶۰ بود که کیارستمی تصمیم می‌گیرد از دانسته‌های هنری خود در دوران دانشگاه بهره و قلمو به دست بگیرد و نقاشی کند. همان‌زمان‌هایی که برای عکاسی به دل طبیعت می‌زد، از روی آن تصاویر، نقاشی نیز می‌کرده است. اگرچه برخی از آن تصاویر را در همان دوره فروخت و برخی را هم نگه داشت. این نقاشی‌ها اما پس از گذشت حدود ۳۰ سال از آن روزها و بعد سه سال از سفر ابدی‌اش، برای اولین بار در گالری «گلستان» به نمایش گذاشته شدند؛ نقاشی‌هایی که به گفته لی‌لی گلستان زمانی برای گذران زندگی این هنرمند به فروش گذاشته شده بودند، اما حالا از روی دیوارهای خانه‌های مختلف جمع‌آوری شدند تا برای مدت دو هفته بُعد دیگری از عباس کیارستمی فیلم‌ساز و عکاس را نشان بدهند. لیلی گلستان که از دوستان قدیمی کیارستمی بوده و پیش از این نیز چهار نمایشگاه عکس از این هنرمند را در گالری خود برگزار کرده بود، بارها به عباس کیارستمی پیشنهاد برگزاری نمایشگاه نقاشی می‌دهد، اما او همیشه جواب می‌داده است: «خیلی دوست دارم این کار را بکنم، اما این کار مستلزم این است که دست کم شش ماه بنشینم و نقاشی کنم. یعنی هیچ کاری جز نقاشی نکنم و این غیرممکن است.» در نهایت اما شاید بهتر است برای جست و جوی معنا در تمام آثار کیارستمی، از پشت عینک خودش به آثارش نگاه کنیم؛ هنرمندی که خیلی ساده در تحلیل آثار و نگاهش گفته بود: «تنها کاری که من می‌توانم بکنم این است که یک آیینه جلوی تماشاگرها بگذارم تا کمی تامل کنند؛ قصد ارائه چیزی بیش از این را ندارم.»



کیارستمی با ثبت رکوردی بالای ۱۰۰ هزار دلار در حراجی کریستیز، توانست در سال ۲۰۰۸ رکورد گران‌ترین عکس خاورمیانه را بزند و همین اتفاق، او را به گران‌قیمت‌ترین عکاس خاورمیانه در آن دوره تبدیل کرد. البته نگاهش به هنر و عکاسی را در گالری‌ها دور هم جمع می‌کرده؛ البته نمایشگاه عکس‌های او فقط به ایران محدود نمی‌شد و نمی‌شود؛ او عکس‌هایش را در کشورهای دیگر نیز به‌نمایش گذاشت. موزهی لوور پاریس در سال ۸۸ نمایشگاهی را با عنوان «عکس پاریس ۲۰۰۹» شامل عکس‌های این هنرمند برگزار کرد. همچنین